



روش ملامی زبان درسی

پذیرفته اتحادیه نویسندگان ج. د. ا.

روش املای زبان دری

پذیرفته اتحادیه نویسندگان ج. د. د. ۱۰۰.



سازمان کوشه پویا فارایه بی

- روش املای زبان دری
- نشر کرده اتحادیه نویسندگان ج . د . ا .
- تیراژ ۱۰۱۰۰ جلد
- مطبعه تعلیم و تربیه
- کابل - ۱۳۶۳

اظهاره‌استمان

ناهمگونی املايي، واژه‌ها، پراکنده‌گي کنونی اشکال نوشتن کلمه‌ها، دشواریها، اختلافات و تفاوتهاي آشکار در زمینه های املا و نشانه گذاری، ویژه گیهای نظام ریشه دار و تحول یافته املايي و نگارشی زبان دری، دستاورد های تازه زبانشناسی و پژوهشهای نوین در زمینه های زبان، ادبیات و شیوه‌های نگارش و جنبش نیرومند سواد و سواد آموزی در کشور، همه و همه یکبار دیگر ضرورت همگونسازی املاي زبان دری و نشانه گذاری را در برابر نسلهای پرتوان امروز و فردای افغانستان انقلابی قرار داده است.

اتحادیة نویسندگان با شناخت این ضرورت فرهنگی جامعه و به مقصد همگونسازی املاي واژه های زبان دری و نشانه‌گذاری از استادان پوهنتون کابل، دانشمندان آکادمی علوم و اعضای مسلکی اتحادیة نویسندگان کمیسیونی را متشکل ساخت. اعضای اصلی این کمیسیون عبارت بودند از :

۱- پوهاند داکتر عبدالاحمد جاوید

۲- پوهاند محمد رحیم الهام

۳- پوهنوال محمد عمر زاهدی

۴- واصف باختری

۵- اعظم رهنورد زریاب

۶- پوهنمل لطیف ناظمی

۷- پوهیالی پویا فاریابی



باید باسپاس فراوان یاد آوری کرد که علاوه از اعضای اصلی کمیسیون ، که به صورت منظم در جلسات اشتراک فعال داشته اند ، شاد روان پوهاند عبدالحی حبیبی ، پوهاند سرور همایون و محقق رضا مایل هروی نیز به حیث مشاوران در برخی از جلسات اشتر اک میوزیدند .

اعضای اصلی و مشاور کمیسیون طی جلسات متناوب و طولانی ، که قریب سه سال را دربر گرفت ، در زمینه موضوعهای گوناگون املائی و نشانه گذاری ، بحثهای علمی ، گفتگوهای گسترده و ژرف و تبادل نظر کردند . فیصله ها و تصویبهای کمیسیون توسط محترم پوهاند محمد رحیم الهام یادداشت میگردد . بنا بر سفارش اعضای کمیسیون ، رساله « روش املائی زبان دری » سر انجام توسط پوهیالی پویا فاریابی بررسی ، تنظیم ، تکمیل و نگارش یافت .

اتحادیه نویسنده گان مراتب سپاسگزاری عمیق خود را به اعضای اصلی و مشاور کمیسیون و به محترم پویا فاریابی ، که در نگارش و اهتمام رساله « روش املائی زبان دری » سهم فعال گرفته اند ، تقدیم میدارد .

از آنجاکه این رساله بر پایه نتایج پژوهشها ، مطالعات و گفتگو های علمی و ادبی گزیده ترین استادان ، دانشمندان و نویسنده گان با اعتبار کشور نگارش یافته است ، بدون ترس از اشتباه ، تاملتهای درازی میتواند و باید برای شاگردان معلمان ، نویسنده گان و ژورنالستهای افغانستان و منطقه سرمشق قرار گیرد . به امید شگفته گی فرهنگ و ادبیات نوین همه ملیتهای ساکن افغانستان انقلابی .

دستگیر پنجشیری

عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا.

ورئیس اتحادیه نویسنده گان ج. د. ا.

پیشگفتار

الفبای زبان دری

آ . اب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ
ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه (ه ر ه ر ~) ء ی .
هریک از نمودارهای نوشتاری بالا «حرف» یا گرافیم * یعنی واحد نوشتاری،
نامیده میشود.

هر کدام از حرفهای ب پ ت ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش

* در نظام الفبایی زبان دری این حرف {آ} نیامده است؛ مگر چون به مثابه نمودار نگارشی صوت / آ / در آغاز و گاهی در میانه واژه به همین شکل نوشته میشود، در نظام الفبایی بسه حیث یک حرف پذیرفته شد و تجویز گردید تا در فهرست الفبا به حیث نخستین حرف نوشته شود. مثالهای کاربرد آن بدین گونه است:

در آغاز واژه: آب، آمد، آورد، آینده، آرمان، آشفته
در میانه واژه: جلالتمآب، مآثر، مآل

** grapheme

ص ض ط ظ ع غ ف ق ك گ ل م ن نمودار نگارش بسك واك
 فونيم • ، يعنى واحد آوازي زبان دريست . بايد گفت كه نوشتن درست
 حرفهاي «ت»، «ط» ؛ «ذ»، «ز»، «ظ»، «ض» ؛ «ث»، «س»، «ص» ؛ «ع» ؛
 «ه» ؛ «ح»، «ه» در واژه ها دشواريهاي به باري آورد؛ زيرا:

«ت» و «ط» ،

«ذ»، «ز»، «ظ» و «ض» ،

«ث»، «س» و «ص» ،

«ع»، «ه» و «ا»، «ح» و «ه» را دري زبانان غالباً يك سان تلفظ ميكنند؛ اما
 اگر در نوشتن، واژه هاي ويژه يي يكي به جاي ديگري نوشته شوند، معنای آن
 واژه ها دگرگون ميشود يا واژه ها بيمعني ميگردند. به گونه نمونه ، هرگاه واژه
 «وعظ» را به رنگ «وعذ، وعزو و وعض» يا واژه «حرص» را به سان «حرث و
 حرس» يا واژه «توت» را به صورت «طوط، طوت و توط» يا واژه «حرف»
 را به شكل «هرف» (به همين گونه ممكن است «عمل» را «امل» يا «حمل» را «همل»
 و مانند آن) بنويسيم ، مفاهيم واژه ها دگرگون يا واژه ها بيمعني ميشوند. براي درست
 نوشتن واژه ها راه و روش ويژه يي وجود ندارد. بايد هر نويسنده يي هيئت درست
 چنين واژه ها را بشناسد و هريك را درست بنويسد .

از شمار حرفهاي الفباي دري «آ، ا، و، ی» نمودار و اکها (واحد هاي آوازي هاي
 گفتاري) و اول اند . و اولها ، كه آنها را در عربي «حروف علت» و در زبان دري
 «مصوتها» و «صدا دارها» •• گفته اند ، و اکهايي اند كه هنگام توليد آنها ، توسط

• Phoneme

•• اصطلاح «صدا دار» و «مصوت» دقيق نيست؛ زيرا هر واك خودش «صدا»
 و «صوت» است و نميتوان «صدا» را به صدا دار و بيصدا بخش كرد .

دستگاه تولید آوازهای زبان، در جریان هوای تنفس (که آواز در واقع از اهتزاز و جنبش آن پدید می‌آید) هیچ گونه بندشی صورت نمی‌گیرد و بر اساس اختلاف موقعیت و حالت عضلهٔ زبان در خالیکاه دهن و پدید آمدن تفاوت‌هایی در وضع و شکل لبها از هم تمایز می‌یابند و نیز در ساختار زبان همواره اوجهی هجاها (کرسیهای فشار و تکیهٔ واژه‌ها) را تشکیل می‌دهند. همچنان حرف «ه» که در نوشتن تالیها (واریا نتهـاـ الوگرافها) ی * گوناگون «ه ۴ ۳ ۴ ۳» دارد گاهی نمودار و اول است، که ما «های غیر ملفوظ» مینامیم .

و اما کانسونانته‌ها، که در عربی حروف صحیح و در دری حروف صامت یا بیصدا نامیده میشوند ، و اکهایی اند که به هنگام تولید آنها، توسط دستگاه تولید آواز های زبان، در جریان هوای تنفس بندشی جزئی یا کلی ایجاد میگردد و چنین واکها در ساختار زبان هیچ گاهی اوج هجا را تشکیل نمیدهند، بل در حاشیهٔ اوج هجا قرار می‌گیرند.

در نظام نوشتاری زبان دری درست نوشتن کانسونا نته‌ها، جز آنچه پیشتر گفتیم و نمونه‌هایی آوردیم، دشواریهای ژرف و پیچیده کمتر است؛ زیرا هر حرف نمودار یک واک ویژه است؛ اما دشواریهای اساسی و ژرف بیشتر در دستنویسی حروف و اول است؛ زیرا هر حرف و اول نمودار چندین واک است و چون و اولهای واژه‌ها

* allograph شکل‌های گوناگون هر حرف را گویند که نظر به جای کاربرد، تفاوت دارند. چون {ع} (مفرد)، {ع} (آغازین)، {ه} {میانین} و {ه} (فرجامین)، همچنان تالیهای {ه} در «هیج» و «بنده» و «دسته» و «سیه‌کار» . این تالیها به شیوه‌های خط از گونهٔ نسخ و نستعلیق و امثال آنها مربوط نیست؛ زیرا در هر شیوهٔ خط دری هر حرف خود ش تالیهایی از گونهٔ مثالهایی که آوردیم، دارد.

در ساختار های صرفی و نحوی باهم پیامیزند و یکی در پی دیگر آیند، نویسنده نوکار
 موش میگردد و بسا که دچار اشتباههایی میشود و آهنگ همگونه گی املایش
 برهم میخورد. از سوی دیگر، برای درستنویسی و اولها در واژه ها از دیرباز،
 پژوهشگران به تنهایی یا به صورت گروهی تلاشهایی کرده اند که رهنمود های
 هر یک یا هر گروه پیروانی دارد. این عوامل و نیز سنت هزار ساله نظام املائی و
 نگارشی زبان دری، که با جامعه ما دگرگونی پذیرفته روبرو به تکامل نهاده است و در
 دستنویسهای فراوان از مراحل گوناگون تکامل رسم الخط دری آشکارا دیده
 میشود، باهم در آمیخته سبب ناهمگونی املائی و واژه ها گردیده است.

برای اثبات این واقعیت به آوردن گواه نیازی نیست؛ زیرا هر برگگی از کتابی
 را که برگردانیم یا به هراتری، خطی باشد یا چاپی، نظر اندازیم به خصوص در
 مجله ها، روزنامه ها و جریده ها و حتی در نوشته یک نویسنده، ناهمگونیهای
 بیشماری در نگارش عین واژه میابیم.

گفتیم که نوشتن و اولها و ترکیبهای آنها در واژه ها و ساختار های اشتقاقی،
 صرفی و نحوی دشواریهایی دارد و ناهمگونی املائی بیشتر از همین رهگذر
 برخاسته است.

بهتر است در این پیشگفتار آن دشواریها را به اختصار بر شماریم.

نخستین و دومین حرف الفبای ما دارای شکلهای زیر است:

آ، ا، ا

[آ] در آغاز و میانه و واژه هانمودار / ā / (به اصطلاح الف ممدوده) است:

آمد، آفتاب، آورد، آذین، آبرو، آتش، آسوده، آیین،

مال، جلا لتمام، که حرف ماقبل آن نیز متحرك است، مآخذ، مآثر،

منشآت.

[ا] در آغاز واژه :

گاهی نمودار / a / (زبر یافته) است :

امر، ای، انگور، انار، اشک، اگر، فروخت - مآن راه الف مفتوح «

گوییم «

گاهی نمودار / 1 / (زیر یا کسره) است :

امضا، اعلان، اقرار، امکان، ایجاد، امروز، اثبات - مآن راه الف مکسور «

نا مییم .

گاهی نمودار / u / (پیش یا ضمه) است :

استاد، اصول، اردو، اجاق، اسلوب، امور - مآن را « الف مضموم «

خوانیم .

[اُ] در میانهٔ واژه نمودار / a / (زبر) است :

مسأله، ماوا، مأخوذ، مأنوس .

در انجام واژه نمودار کانسونانت ساکن است :

مبدأ، منشا، ملجأ.

[و] گاهی نمودار کانسونانت / w / است :

به تنهایی به حیث { و } عطف و ربط، در حال وصل / u / خوانده میشود؛

چون: من و گرز و میدان و افراسیاب.

و اما در حال فصل / wa / خوانده میشود؛ مانند:

فرزانه از این که قلم، کتاب و کتابچه اش را نیاورده بود، اندوهگین مینمود.

در آغاز واژه :

گاهی نمودار / wa / است؛ مانند:

وی، ولد، وقت، ورزش .

گاهی نمودار / WI / است؛ چون :

وقف، ورد، ولایت.

گاهی نمودار /Wu/ است؛ مانند:

وصول، وحوش، ورود، وقوف.

درمیانهٔ واژه:

گاهی نمودار /Wa/ است؛ مانند:

اول، بین‌الدول، احول، محول، روند، میوند، کشاورز، تگاور، روك میز.

گاهی نمودار /WI/ است؛ چون: متمول، متحور، مشاور، مجاور.

گاهی نمودار /Wu/ است؛ چون: تعاون، تلون، تحول، تمول، تناول.

گاهی نمودار گونه‌یی از /W/ (واومعدوله) است؛ مانند:

خواهر، خوانش، خواهش، خواب، خوار.

درانجام واژه:

گاهی نمودار /aw/ است؛ مانند:

نو، جلو، پیشرو، نرو، بدو.

گاهی نمودار /W/ است؛ چون:

سرو، مرو، تذرو.

همچنان [و] گاهی نمودار واول است.

درمیانهٔ واژه:

گاهی نمودار /u/ (پیش یا ضمه) است؛ مانند:

خود، خورشید، خوشنود، خوش.

گاهی نمودار /ü/ (واومعروف) است؛ چون:

توت، خوب، نمود، بود، رنجور، دور.

• درواژهٔ «عمرو» چون «عمروبن لیث» و «عمروبن عاص»، «و» خوانده نمی‌شود.

گاهی نمودار / o / (واومجهول) است؛ مانند :

شور، گور، تور، زور، کور .

درانجام واژه :

گاهی نمودار / o / است؛ مانند :

گفتگو، بدخو، شستشو، آرزو، آبرو .

گاهی نمودار / u / است؛ مانند:

بازو، نازو، آلو، لیمو.

[ی] گاهی نمودار کانسونانت / y / است.

درآغاز واژه :

گاهی نمودار / ya / است؛ مانند :

یک، یم، یل، ید، یزد (شهر یزد، فرخی یزدی)

گاهی نمودار / y / است؛ چون:

یار، یابنده، یوغ، یاد، یال.

درمیانه واژه:

گاهی نمودار / ya / است؛ مانند:

درایت، نهایت، سعایت، سیر، مویک.

گاهی نمودار / ay / است؛ مانند:

پیوند، پیکار، میگسار، بیعت، دیر (صومعه) •

درانجام واژه:

گاهی نمودار / ay / است؛ چون:

می، وی، پی، فی.

• گاهی دربرخی واژه‌های عربی‌مشدخ خوانده میشود؛ چون: خیر، تیر، حیز.

گاهی نمودار /y/ است؛ مانند:

جوی، موی، بدخوی، روی، شوی (شوهر).

[ی] همچنان نمودار واول است:

درمیانهٔ واژه:

گاهی نمودار واول /e/ (یای مجهول) است؛ مانند:

دیر، میوه، ریو، دیو، نیو، سیر، شیر (حیوان)، تیغه.

گاهی نمودار واول /i/ (یای معروف) است؛ چون:

سیر، تیر، پیر، شیر، منیر، فیل، بیم.

درپایان واژه:

گاهی نمودار /e/ (یای مجهول) است؛ مانند:

مردی (نکره)، همی، کتابی.

گاهی نمودار /i/ (یای معروف) است؛ مانند:

مردی (اسم معنی)، کتابی (نسبت)، گفتی، کشتی.

گاهی درعبارتهای اضافی و توصیفی /yI/ خوانده میشود؛ مانند:

کشتی باربردار، صوفی وارسته.

باید یادآورشده که زبان گفتاری دری (لهجهٔ کابل) هشت واك واول دارد و

چندین واول مرکب (دفتانگ) یایی وواوی ازگونهٔ واكهای:

/úu oáa/íle/

ودفتانگهای:

/aw íw ew áw ay áy úy oy/

که تمام اینها توسط پنج حرف (آ، ا، و، ی، ه) و ترکیبات آنها نوشته

میشوند. ازسوی دیگر، الفبای زبان دری ویژه گیمی دارد که الفباهای دیگر ندارند

و ن این است که هر حرف صامت غالباً چهارگونه خوانده میشود؛ چنان که حرف {ب} را هم ساکن، هم مفتوح، هم مکسور و هم مضموم میتوان خواند. از این نگاه و از نظر مراحل تکامل نظامهای الفبایی، الفبای ما، هم «فونیک» است، یعنی دلالت واك بسیط میکند و ساکن خوانده میشود و هم هجاییست و درعین هجایی بودن برهجا های Ca و Cu و Cl (علامه C نمودار صامت است) دلالت مینماید. و مثلاً «بَ، بُ، بْ، بٍ» خوانده میشود و پیرو هیچ دستور و قاعده‌یی نیست. این دشواریها و پیچیده‌گیها سبب شده است که از یک سو، در خواندن بسیاری از واژه‌ها اشتباه روی دهد و از سوی دیگر، در نوشتن واژه‌ها سرگردانیها نابه‌سا مانیهایی به بار آید.

هرچند در گذشته از سوی پوهنتون کابل به ویژه پوهنخی ادبیات و وزارت معارف وقت تلاشهایی برای همگونسازی املا و نشانه گذاری زبان دری صورت گرفته رهنمودهایی به منظور تدریس به دانشجویان و شاگردان نگاشته شده است؛ چنان که به سال ۱۳۳۰ یک جزوه درسی به نام «بحث انتقادی بر املا و انشای فارسی» توسط استاد عبدالاحمد جاوید تدوین گردید. سپس به سال ۱۳۴۰ رساله‌یی در این زمینه به نام «یک روش جدید در املا ی فارسی» توسط گروهی از استادان پوهنخی ادبیات و دانشمندان وزارت تعلیم و تربیه فراهم آورده شد. این رساله به سال ۱۳۴۲ بانديك دگرگونی و تعديل به نام «روش جدید در املا ی دری» به جای شماره هشتم مجله «بخوان و بدان» به نشر رسید و سپس به سال ۱۳۵۵ با اصلاحات و افزایشهای بیشتری از سوی پوهنخی ادبیات و علوم بشری به نشر سپرده شد. آخرین بار رساله یاد شده به سال ۱۳۵۹ توسط پوهنمل لطیف ناظمی به

حيث جزوه تدریسی مورد تجدید نظر قرار گرفت. چون در مورد املا و نشانه -
گذاری زبان دری هنوز هم ناهمگونیها و اختلافاً فانی وجود دارد. بنابراین ،
اتحادیه نویسندگان ج. د. ا. بر آن شد تا تازه ترین نظریات را بررسی نموده رساله‌یی
به حیث رهنمود فراهم آورد و به همین مناسبت، کمیسیونی متشکل از استادان
پوهنتون کابل، اکادمی علوم ج. د. ا. و اعضای مسلکی اتحادیه را برگماشت که
رساله تازه‌یی در این زمینه فراهم آورند تا به صورت همگون در سراسر کشور
مورد کاربرد قرار گیرد.

پوهاند محمد رحیم الهام

کابل - عقرب ۱۳۶۳

بخش نخست

۱ ملأ

۱- هرگاه واژه‌های مختوم به واوهای / o ، ü / (واو مجهول، واو معروف)

مضاف، موصوف یا منسوب قرار بگیرند، پس از آنها یک { ی } می‌افزاییم:

واو مجهول

الف) به حیث موصوف:

سبوی شکسته	سبو
شبوی سفید	شبو
گلوی خشک	گلو
نموی سریع گلها	نمو
آبروی برباد رفته	آبرو
گفتگوی سودمند	گفتگو

(ب) به حیث مضاف :

سبوی من	سبو
شبوی چمن	شبو
گلوی آواز خوان	گلو
نموی نباتات	نمو
ما هروی من	ماهرو
آبروی کسان را نباید ریخت	آبرو

(ج) به حیث منسوب :

سبوی استالنی	سبو
شبوی کابلی	شبو
لیموی هندی	ایمو
ماهروی سمرقندی	ماهرو

واو معروف

(الف) به حیث موصوف :

بازوی توانا	بازو
موی سیاه	مو
روی سپید	رو
خوی بد	خو

(ب) به حیث مضاف :

بازوی رستم زابلی	بازو
موی پیر مرد	مو

روی دیوار های بلند

رو

خوی کودکان

خو

ج) به حیث منسوب :

خواجوی کرمانی

خواجو

آهوی خنتی

آهو

د) هرگاه حرف {و} در پایان واژه‌ها نمودار کانسونانت باشد، در حالت‌های

موصوف، مضاف و منسوب حرف دیگری در نوشته نمی‌آید و همین‌اوبا کسره

تلفظ میشود؛ مانند :

دیوسفید

دیو

غریوجانکاه

غریو

جلو اسپ

جلو

گاو شیری

گاو

۲- باواژه‌هایی که مختوم به الف ممدوده / ā / باشند، در حالتی که موصوف،

مضاف و منسوب قرار گیرند بک { ی } افزوده میشود؛ مانند :

دانای راز

دانا

صدای گیرا

صدا

قبای ابربشمین

قبا

شبهای زمستان

شبهها

هوای بهار

هوا

ژرفای شب

ژرفا

۳- واژه‌های دخیل از عربی که در اصل مختوم به همزه { ه } بعد از الف باشند،

همزه نوشته نمیشود. در حالات موصوف، مضاف و منسوب مانند قاعدهٔ ۲ تنها یک { ی } به آنها علاوه میگردد؛ مانند :

امضای استاد	امضا
ابنای زمانه	ابنا
اشیای قیمتی	اشیا
ارتقای علمی	ارتقا
انشای ساده	انشا
املائی درسی	املا
علمای کلام	علما
اجرای وظیفه	اجرا
ایفای امور	ایفا
انقضای مدت *	انقضا

۴- دروازه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » که در آنها حرف { ه } نمودار زیر (فتحه، و اول / a /) است در حالات موصوف، مضاف و منسوب نشانهٔ { ه } بالای { ه } نوشته میشود؛ مانند :

خانهٔ علم و فرهنگ	خانه
لانهٔ زنبور	لانه
اتحادیهٔ نویسندگان	اتحادیه
درهٔ غوربند	دره

* این گونه واژه ها در ترکیبات عربی مانند اصل عربی نوشته میشوند؛ چون:

اسماء الحسنی و ماوراء النهر.

ستاره	ستارهٔ دنباله دار
قباله	قبالهٔ زمین
نامه	نامهٔ بی امضا
بنده	بندهٔ نفس
کارنامه	کارنامهٔ بزرگان

۵- هرگاه واژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » با { - گان } یا { - ها } جمع

شوند، « های غیر ملفوظ » حذف نمیشود؛ مانند :

بنده	بنده‌گان	بنده‌ها
رونده	رونده‌گان	رونده‌ها
وابسته	وابسته‌گان	وابسته‌ها
ستاره	ستاره‌گان	ستاره‌ها
نویسنده	نویسنده‌گان	نویسنده‌ها
تشنه	تشنه‌گان	تشنه‌ها

۶- هرگاه باواژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » هرگونه پسوند یا واژه‌های

دیگر بیاید « های غیر ملفوظ » حذف نمیشود؛ مانند :

تشنه	تشنه‌گی	تشنه وار	تشنه گونه
وارسته	وارسته‌گی	وارسته وار	وارسته گونه
همبسته	همبسته‌گی		
چگونه	چگونه‌گی		
نامه	نامه ام	نامه ات	نامه اش *

* عده‌یی از دانشمندان به این عقیده هستند و مجاز میدانند که در واژه‌های مختوم به « های غیر ملفوظ » مثل بنده‌گی، آشفته‌گی و نویسنده‌گان { ه } (های غیر ملفوظ) نوشته نشود؛ اما کمیسیون به خاطر رعایت وحدت املا بی نوشتن { ه } را در همچو واژه‌ها مرجح میدانند.

۷- هرگاه واژه های مختوم به « یای معروف » / ī / و « دفتا ننگهای یایی » / ay ūy oy áy / درحالات موصوف، مضاف و منسوب آیند، پس از آنها چیزی درنوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

چوکى معلم	چوکى
قیچی خیاطی	قیچی
چای سبز	چای
نسی شکسته	نسی
بوی خوش	بوی
خوی بد	خوی

۸- با واژه هایی که مختوم به حروف نمودار صامتها باشند، درحالات موصوف، مضاف و منسوب یا هنگام پیوستن پسوند های ضمیری و جمع و پسوند های نسبتی چیزی در نوشته علاوه نمیشود؛ مانند:

شعر نو، شعر سعدی، شعر من، شعرم، شعرش، شعر دری،	شعر:
جلو کهنه، جلو اسپ، جلو او، جلوم، جلوش، جلو چاچی،	جلو:
گل سرخ، گل نارنج، گل تو، گلم، گلش، گل روسی،	گل:
قلم خودکار، قلم هوشنگ، قلم تو، قلمم، قلمش، قلم جاپانی.	قلم:

۹- «های ملفوظ» نیز حرف نمودار صامت است. بنابراین، با واژه هایی که مختوم به این حرف باشند، درحالات موصوف، مضاف و منسوب نیز درحالات پیوستن پسوند جمع یا پسوند های ضمیری، نسبتی و تنکیر، چیزی درنوشته افزوده نمیشود؛ مانند:

کوه : کوه بلند، کوهی (نسبتی)، کوهها، کوهی (نکره)،

کلاه : کلاه سیاه، کلاه احمد، کلاه من، کلاه من، کلاهش، کلاه عسکری، کلاهها، کلاهی (نکره)،

نگاه : نگاه افسونگر، نگاه دلدار، نگاه کودک، نگاهم، نگاهش، نگاه - عاشقانه، نگاهها، نگاهی (نکره)،

راه : راه دور، راه پغمان، راهم، راهش، راهها، راهی (نکره)،
ماه : ماه نو، ماه نخب، ماه من، ماهم، ماهش، ماه عیسوی، ماهها، ماهی (نکره).

۱۰- واژه هایی که با آنها ضمائر «مان، تان، شان» بیابند، آن واژه ها از این ضمائر جدا نوشته میشوند؛ مانند:
قلم مان، قلم تان، قلم شان،
راه مان، راه تان، راه شان،
زنده گی مان، زنده گی تان، زنده گی شان.

۱۱- پسوند نکره، پسوند اسم معنی و پسوند صفت نسبتی با واژه های مختوم به الف ممدوده {ا}، و او معروف و مجهول {و} و های غیر ملفوظ {ه} به شکل «یی» نوشته میشود :

الف) واژه های مختوم به {ا}

دنیا : دنیایی میخواهم پر از صلح و صفا. (پسوند نکره)

دانا : دانایی، تواناییست. (پسوند اسم معنی)

اعتنا : به من اعتنایی نمود. (پسوند تنکیر)

آسیا : مسابقات فوتبال آسیایی به زودی آغاز میشود (پسوند صفت نسبتی)

ب) واژه های مختوم به او معروف و مجهول {و}

لیمو: پروین پیراهن لیمویی پوشیده بود. (پسوند صفت نسبتی)

دو : دویی در بین دوستان ناپسندیده است. (پسوند اسم معنی)
 مو : اوسرمویی هم به برادرش علاقه نداشت. (پسوند وحدت)
 ج) واژه های مختموم به های غیر ملفوظ { ه }
 نامه : نامه یی به برادرم فرستادم. (پسوند نکره)
 سرمه : او پیراهن سرمه یی پوشیده بود. (پسوند صفت نسبتی)
 بنده : مبارزان زنجیرهای بنده گی را گسستند. (پسوند اسم معنی)
 د) پسوندهای اسم معنی و تکبیر و ضمیری در واژه های مختموم به {ی} چنین نوشته میشوند :

صوفی : صوفی آن است که هرچه در کف داری بدهی ... (پسوند اسم معنی)
 (خواجه عبدالله انصار)
 یا : صوفی میگشت در دور افق ... (پسوند نکره)
 (مولوی)

کشتی : کشتی از دریا میگذشت. (پسوند نکره)
 یا : کشتیم ، کشتیت ، کشتیش ، کشتی مان (یم ، یت ... نشانه های ضمیری)
 زنده گی : زنده گیم ، زند گیت ، زنده گیش ، زنده گی تان (یم ، یت ...
 نشانه های ضمیری)

۱۲- { ای } تنها در یک مورد و در صیغه مفرد مخاطب فعل ماضی قریب
 یا صیغه مفرد مخاطب فعل حال اخباری نوشته میشود :

تودرخانه ای ، تورفته ای ، گفته ای ، برده ای ، خورده ای.	
یا : درخانه ام	درخانه ایم
درخانه ای	درخانه اید
درخانه است	درخانه اند (درخانه استند)
و یا : رفته ام	رفته ایم
رفته ای	رفته اید
رفته است	رفته اند (رفته استند)

۱۳- واژه‌های مختوم به الف ممدوده {ا} و {ی} و واو معروف و مجهول {و} و های غیر ملفوظ {ه} هنگام پیوستن با پسوند های اضافی به گونه زیر نوشته میشوند:

پا : پایم ، پای مان ، پایت ، پای تان ، پایش ، پای شان ،
 جای : جایم ، جای مان ، جایت ، جای تان ، جایش ، جای شان ،
 آرزو: آرزویم ، آرزوی مان ، آرزویت ، آرزوی تان ، آرزویش ، آرزوی شان ،
 خانه : خانه ام ، خانه مان ، خانه ات ، خانه تان ، خانه اش ، خانه شان ،
 نامه: نامه ام ، نامه مان ، نامه ات ، نامه تان ، نامه اش ، نامه شان ،
 زنده‌گی: زنده‌گیم ، زنده‌گی مان ، زنده‌گیت ، زنده‌گی تان ، زنده‌گیش ،
 زنده‌گی شان .

۱۴- « است » ، « استند » و « اند » چنین نوشته میشوند :

الف) پس از واژه های مختوم به الف ممدوده { ا } ،

دانا :	داناست	دانااستند	دانااستند
توانا :	تواناست	تواناستند	تواناستند
کجا :	کجاست	کجاستند	کجاستند

ب) پس از {و} معروف و مجهول ،

(۱) پس از واژه مختوم به واو مجهول :

نیکو :	نیکوست	نیکوستند	نیکویند
بدخو :	بدخوست	بدخوستند	بدخویند
روبه‌رو :	روبه‌روست	روبه‌روستند	روبه‌رویند

(۲) پس از واژه های مختوم به واوهای صامت /aw/ و /áw/ و /ow/ ،

نو : نوامست نوامستند (هستند) نواند

جلو: جلو است جلو استند (هستند) جلو اند

گاو: گاواست

هزارناو: هزارناو است

ریو: ریواست

دیو: دیواست

(۳) پس از واژه های مختوم به {ی} معروف و برخی از دفتانگهای یایی،

زنده گی زنده گیت

مبتدی مبتدیست

علمی علمیت

طبیعی طبیعیت

شخصی شخصیت

زیبایی زیباییست

دانایی داناییست *

(۴) پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و تمام صامتها،

خانه خانه است

لانه لانه است

گواه گواه است

زنده زنده است

چنین چنین است

* نوشتن این واژه هابا « الف » به شکل زنده گی است، طبیعی است، ودانایی

است نیز جواز دارد.

دیوار دیوار است.

نزدیک نزدیک است *

(۵) فعل «نیست» و واژه‌های پرسشی «کیست» و «چیست» به همین گونه نوشته میشوند:

۱۵- پیشوند ها :

پیشوند ها در زبان دری به دو بخش عمده جدا میشوند: پیشوند های صرفی (تصرفی) و پیشوند های واژه ساز (اشتقاقی).

پیشوند های صرفی بدین گونه مشخص میشوند :

(۱) پیشوند { می- } یا { همی- }

هر گاه این پیشوند در جلو فعلهای آغاز شده به صامت قرار گیرد ، با ماده

یا اصل فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند :

میگفت ، میروم ، میدانستم ، میخواست ، میرفت ، میدید .

همیگفت ، همیروم ، همیدانستم ، همیخواست ، همیرفت ، همیدید .

هر گاه با فعلهای آغاز شده به مصوت‌های «الف مفتوح ، مکسور و مضموم»

بیاید ، باز هم با فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند :



افداخت میانداخت

افروخت میافروخت

انگیزد میانگیزد

ایستاد میایستاد

* بهتر است واژه های مختوم به صامتها را به صورت مشکلت ، آسانست

کمست ، خوبست ، آنست ، همینست ، نزدیکست و مانند اینها ننویسیم و الف فعل

« است » پس از واژه های مختوم به های غیر ملفوظ و صامتها حذف نشود .

افتاد میافتاد

افتد میافتد

هر گاه با واژه هایی که با {و} و {ی} آغاز مییابند، بیاید بدین گونه نوشته میشود :

میورزد میوزید مییافت مییازید .

و اما هرگاه با فعلهای آغاز شده به مصوت {آ} بیاید، جدا نوشته میشود؛ مانند:

آراست می آراست

آمد می آمد

آرمید می آرمید

آزمایند می آزمایند

آسایند می آسایند

(۲) پیشوند {ب-} که همواره با فعل می آید به این گونه نوشته میشود:

هرگاه با فعلهای آغاز شده به حرف نمودار صامت بیاید، با فعل پیوسته نوشته میشود؛ مانند:

بگفت، برفت، بزد، ببیند، ببین، برو، بخران، بگمار :

هرگاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت (الف مفتوح یا مضموم)

بیاید، {ا} حذف میگردد و پیش از فعل {ی} افزوده میشود؛ مانند :

افگند بیفگند

افروز بیفروز

افتاد بیفتاد

انداخت بینداخت

هر گاه با فعلهایی که با «الف مکسوره» آغاز شده باشند، بیاید الف آن نوشته میشود؛ مانند :

ایستاد	بایستاد	ایستد	بایستد
--------	---------	-------	--------

هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت‌های { ی } و { و } بیاید مانند صامت‌ها پیوسته با فعل نوشته میشود؛ چون :

یافت	بیافت
------	-------

ورزید	بورزید
-------	--------

وزید	بوزید
------	-------

و اما اگر با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار { آ } بیاید، میان پیشوند و اصل فعل { ی } افزوده میشود و در نگارش علامه «مد» از آغاز فعل حذف میگردد؛ مانند:

آید	بیاید
-----	-------

آورد	بیاورد
------	--------

آمد	بیامد
-----	-------

آراست	بیاراست
-------	---------

آشفته	بیاشفته
-------	---------

(۳) پیشوند نفی { ن- } به این گونه نوشته میشود :

هر گاه با فعلهای آغاز شده با حروف نمودار صامت بیاید، پیوسته با فعل نوشته میشود؛ مانند :

نخورد، نرفت، نکرد، نوزید، نگفت، نیافت :

هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت (الف مفتوح یا مضموم) بیاید، میان این پیشوند و اصل { ی } افزوده میشود و الف آغازین فعل حذف میگردد؛ مانند :

نپنداخت	انداخت
نیفروخت	افروخت
نیفروز	افروز

در واژه های «ایستاد» و «ایستد» به این شکل نوشته میشود :

نایستاد	ایستاد
نایستد	ایستد

و اما هر گاه با فعلهای آغاز شده با حروف نمودار {آ} بیاید میان این پیشوند و اصل فعل، {ی} افزوده میشود و علامه «مد» {یم} حذف میگردد؛ مانند:

نیامد	آمد
نیاراست	آراست
نیآورد	آورد

(۴) پیشوند نهی {م-} نیز خصوصیت پیشوند نفی را دارد و با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار صامت پیوسته نوشته میشود؛ مانند :

مکن، مرو، معخور، مزن، منشین، مگو، معخوان .

و اما هر گاه با فعلهای آغاز شده به حروف نمودار مصوت بیاید، مانند پیشوند نفی نوشته میشود؛ چون :

میفروزید	میفروز	نیفروخت	افروز :
میفگنید	میفگن	نیفگند	افگن :
میآیید	میا	نیامد	آ :
مایستید	مایست	نایستاد	ایست :

(۵) پیشوندهای واژه ساز :

پیشوند های واژه ساز تاحد امکان باید با اصل واژه پیوسته نوشته شوند؛ مانند :

ام: امروز، امشب، امسال ،

بی: بیکار، بیدل، بینوا، بیرنگ، بیدرنگ.

هرگاه پیشوند {بی -} با واژه هایی بیاید که باحروف نمودار مصوت {آ،} آغاز شوند، جدا نوشته میشود؛ مانند :

بی آب، بی آبرو، بی آزار، بی ادب، بی اراده، بی انصاف.
همچنان هرگاه به حیث پیشینه به کار رود از اصل واژه جدا نوشته میشود؛ مانند:
بی چون و چرا، بی گفت و شنود، بی رتق و فتق، بی خورد و خواب.
پسوند ها نیز مانند پیشوند ها تا حد امکان با واژه ها پیوسته نوشته میشوند؛ مانند:
نیلگون، نیلفام، ستمگر، باغبان، بیننده، بهتر، بهترین، نالان، سحرگهان،
چوبین، سمین، پریوش، ماهوش، مهوش، دانشمند، هدفمند، گلزار، نیستان.
۱۷- پسینه {را} از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند :

کتاب را، قلم را، آدم را، وی را، این را، آن را، فرهنگ را، دانش را
دیوان را، مشکل را

۱۸- پسوند های جمع {-ها} و {-آن} با واژه ها پیوسته نوشته میشوند؛
چون :

کتابها، قلمها، دستها، دلها، باغها، جنگاها، کوهها، چوکیها، الماریها،
آدمها، عربها، افغانها، ایرانیها، هندیها، آسیاییها، افریقاییها، امریکاییها، جایها،
پایها، مویها، جویها، رویها .

هرگاه واژه هایی که به « های غیر ملفوظ » پایان یافته باشند در صورت
جمع بستن با « ها»، { ه م م ه م ه } { پایان واژه حذف نمیشود؛ مانند :
نامه - نامه ها، خانه - خانه ها، جامه - جامه ها، افسانه - افسانه ها، کوه -
کوهها *

* یاد داشت :

این واژه ها و ترکیبهای ویژه دری که برخی از نویسندگان آنها را با *

۱۹- واژه های مرکب تا حد امکان یکجا نوشته میشوند؛ مانند:

• نشانه های { ات و جات } جمع مینندند - هر چند مربوط به املانیست -
بانشانه های «-ها» و «-ان» به این گونه نوشته میشوند :

باغ - باغها، ده - دهها، (دهکده ها، روستاها)، سبزی - سبزیها، دسته -
دسته ها، کوهستان - کوهستانها، پرزه - پرزه ها، میوه - میوه ها.
نوشته - نوشته ها، کارخانه - کارخانه ها، خواهش - خواهشها، فرمایش -
فرمایشها، نمایش - نمایشها، سفارش - سفارشها، گزارش - گزارشها،
پیشنهاد - پیشنهادها.

تمام واژه های دخیل به هنگام جمع بستن با علامه های ویژه زبان دری
«-ها» و «-ان» جمع بسته میشوند .

واژه های دخیل زبان عربی، که در آن زبان با علامه های جمع سالم عربی
«-ون، -ین، -ات» جمع بسته میشوند، هنگام جمع بستن در زبان دری تا حد امکان
باید با علامه های جمع ویژه زبان دری (-ها، -ان) جمع بسته شوند؛ مانند:
معلمان، محصلان، محققان، مفتشان، مهندسان، عالمان، فاضلان،
مؤرخان، کاتبان، ناظران، منشیان، مأموران، آمران، مدیران، وزیران، کلمه ها
سیاره ها، طیاره ها، عادتها، واقعه ها و امثال اینها .

بنا بر این، جمع بستن این واژه ها به گونه باغات، دهات، میوه جات،
سبزیجات، پرزه جات، کارخانه جات، خواهشات، فرمایشات، گزارشات
سفارشات، پیشنهادات - هر چند به کار هم رفته است - نادرست است و کاربرد
علامه های {جات} یا {ات} با واژه های دری به هیچ صورت جایز نیست .

پیشرفت، پیشنهاد، پیشرو، پشاهنگک، هماهنگک، رویداد، روانکاو،
روانشناس، زبانشناس، زبانشناسی، دستیاب، پایپاک، صاحبدل، صاحبنظر،
گلفروش، میفروش، دلارام، دلاویز، نیکنام، نیکبخت، خوشحال، جهانیبینی،
جهانشناختی، دستنویس، جهانگرد، آسمانخراش، آموزشگاه، پرورشگاه،
باشگاه، دانشگاه، گفتگو، جستجو، دوستدار، همیچکاره و امثال اینها.

و اما این واژه‌ها: پیرهن چاک، افسون‌کنان، شست و شو، شکست ناپذیر
عدالت شعار، شماتت ورزی، که یکجا نوشتن آنها سبب دشواری و ثقلت در
خواندن میشود، باید جدا نوشته شوند.

۲۰- تنوین (دوزبر، دوزیر، دو پیش درحرف آخر واژه ها) :

تنوین تنها بر واژه های عربی نوشته میشود و در زبان دری تنها تنوین «دوزبر»
بر واژه های عربی رایج میباشد * که قواعد نوشتن آن چنین است:

الف) بنا بر قاعده کلی و رایج در پایان واژه مورد نظر «افی» میافزاییم و
بالای آن «دوزبر» مینویسیم؛ مانند :

اصلاً، اجمالاً، احتمالاً، اساساً، حتماً، قسماً، عیناً، راساً، مثلاً، ابداً،
فوراً، مختصراً ،

حقیقتاً، نسبتاً، موقتاً، ذاتاً، عجالتاً، ندرتاً .

ب) تنوین «دوزبر» در واژه های عربی مختوم به همزه {ء} بر سر همزه

نوشته میشود؛ مانند :

استثناء^۱ استثناء^۲

جزء^۲ جزء^۱

* یک نکته دستوری: کار برد تنوین با واژه های غیر عربی در زبان دری
درست نیست؛ چون: تیلفوناً، تلگراماً، زباناً، ناچاراً .

۲۱- واژه های همزه دار :

همزه {ء} ویژه واژه های عربیست .

همزه در واژه های عربی هم در آغاز، هم در میانه و هم در انجام می آید و شیوه نوشتن آن دستور های ویژه ای دارد، ؛ اما بحث ما در باره طرز نوشتن «همزه» در واژه های دخیل عربی در زبان دریست که به گونه زیر مشخص میشود:

(۱) در آغاز واژه های عربی به شکل { ا } نوشته میشود؛ مانند :

اتفاق، اتحاد، امت، اصحاب، ایجاد، امتنان ،

(۲) هر گاه همزه در پایان واژه ها بر کرسی { ا } یا { و } نشسته باشد ،

همزه حذف نمیشود؛ مانند :

مبدأ زبان دری

لؤلؤ لؤلؤ ناب و نایاب

رؤیت رؤیت هلال

(۳) در آن دسته از واژه های عربی که بر وزن «فاعل»، «فواعل» و «فعائل»

باشند، در زبان دری به جای همزه {ی} نوشته میشود؛ مانند :

اصل عربی (بر وزن فاعل) املائی دری

قائل قائل

سائل سائل

مائیل مائل

جائیز جائز

نائیل نائل

اصل عربی (بروزن فواعل) املائی دری

فوائد فواید

نوايب	قوايب
جوايز	جوائز
عواید	عوائد
زواید	زوائد
املاى درى	اصل عربى (بر وزن فعائل)
شمایل	شمائل
قبایل	قبائل
دلایل	دلائل
حمایل	حمائل
اوایل	اوائل
مسایل	مسائل
فضایل	فضائل

(۴) هرگاه حرکت حرف ما قبل همزه فتمحه باشد؛ همزه بر کرسی {ا} نوشته میشود؛ مانند :

تأیر ، تألیف ، تأویل ، تأریخ ، رأس ، یأس ، مأمور .

(۵) هرگاه حرکت ما قبل همزه ضمه باشد ، همزه بر کرسی {و} نوشته میشود؛ مانند : مؤمن ، لؤاؤ ، مؤنمن ، مؤذن .

(۶) همزه ما قبل متحرك بر کرسی {و} اول نوشته میشود؛ مانند : رؤوف ، داؤود ، رؤوس ، شؤون *

(۷) همزه مکسور ما قبل متحرك بر کرسی {ى} {یاى بى نقطه} نوشته میشود؛ مانند رئیس ، لئیم .

* در منتهای کهن عربی این واژه‌ها به شکل رؤف ، مسؤل وداؤد هم آمده است .

(۸) همزهٔ مفتوح ما قبل ساکن بر کرسی { ا } نوشته میشود؛ مانند: مسأله، مسألت.

(۹) همزهٔ مفتوح ما قبل { ی } ساکن بر کرسی { ی } { یای بی نقطه } نوشته میشود؛ مانند: هیئت، خطیئت، بریئت .

(۱۰) همزهٔ مکسور ما قبل ساکن بر کرسی { ی } { یای بی نقطه } نوشته میشود؛ مانند: اسئله (جمع سوال)، افئده (جمع فؤاد به معنای دل) ، تخطئه .

(۱۱) همزهٔ ما قبل مضموم وما بعد الف بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: سؤال، فؤاد .

(۱۲) همزهٔ مضموم ما قبل ساکن وما بعد { و } بر کرسی { و } نوشته میشود؛ مانند: مسؤول، مرؤوس، مشؤوم .

(۱۳) واژه های مأخذ (جمع مأخذ)، لآلی (جمع لؤلؤ)، مال، مآب، مآثر، متحد المال، اجراءات، اقتضآات، قرآات (جمع قرآات)، منشآت؛ جرأت، قرآات، تبرئه، ارآه، برآات، توطنه، تخطئه، نشآت ودنآات به همین شکل نوشته میشوند. (۱۵) واژه هایی که در اصل عربی همزه ندارند، بدون همزه نوشته میشوند؛ مانند: موفق، موقت، موظف، موجز، مصون .

(۱۶) واژه هایی که در اصل عربی همزه دارند در شکل فاعلی و مفعولی با همزه نوشته میشوند؛ مانند: مؤرخ (از تاریخ)، مؤدب (از تأدیب)، مؤکد (از تأکید)، مؤنث (از تأنیث)، مؤخر (از تأخیر)، مؤثر (از تأثیر) .

(۱۷) همزه‌یی که در پایان واژه های عربی بدون کرسی نوشته میشود، حذف نمیگردد؛ مانند: سوء و جزء (جز و) و شیء (در زبان دری این واژه به شکل «شیء» و جمع آن «اشیاء» نوشته میشود.)

۲۲- الف مقصوره .:

در عربی «الف مقصوره» یا بیست {ی} در پایان واژه ها که {آ} خوانده میشود. چنین واژه ها در املاى درى مانند اصل عربى نوشته میشوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی، علی.

هر گاه چنین واژه ها مضاف، موصوف، منسوب و در عبارتها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، {ی} به صورت {ا} نوشته میشود و قاعدهٔ واژه های مختوم به {ا} بر آنها تطبیق میگردد؛ مانند:

عیسای مریم	عیسی
موسای کلیم الله	موسى
معنای واژه ها، واژه های چندین معنایی	معنى
لبلاى قشنگ من، کرشمهٔ لیلابی	لیلابی
شورای وزیران	شورى
یحیای بر مکی	یحیی
هر گاه این گونه واژه ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته میشوند:	

موسوی	موسى
عیسوی	عیسى
معنوی	معنى
گنجوی	گنجه
قبیلوی	قبيله

و اما در املای زبان درى اشکال زیرین را به خود میگیرند:

موسی	موسایی
عیسی	عیسایی
معنی	معنایی
گنجه	گنجه‌یی
قبیله	قبیله‌یی

واژه‌های زیر در حالت‌های فاعلی و مفعولی به دو شکل نوشته میشوند :

شکل فاعلی	شکل مفعولی
مدعی	مدعاً •
محتوی	محتوا
مستوفی	مستوفا
مقتضی	مقتضا
منتهی	منتها

نوشتن واژه‌های عربی بلوی، تقوی، قوی، مبتلی، مصفی و مستثنی در زبان دری با « الف » مرجح دانسته میشود؛ مانند :

بلوا، تقوا، قوا، مبتلا، مصفا، مستثنا .

۲۳- هر گاه واژه « ابن » در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته میشود :
ابن‌سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن احمد، ابن زید .

و اما هر گاه « ابن » در بین دو اسم خاص آید، { ا } آن در نوشته حذف میشود؛
مانند: محمد بن احمد دقیقی بلخی، عیسی بن مریم، یحیی بن خالد برمکی،

• و « مدعی » به صورت « مدعا » تلفظ شده؛ اما به عنوان اصطلاح فقهی (کسی که بروی دعوا صورت میگیرد) به شکل « مدعی علیه » نوشته میشود .

حمزه بن حسن اصفهانی، حمزه بن علی •

۲۴- هرگاه واژه های « بعض، برخ، بخش» در عبارتهای اضافی، توصیفی و نسبتی آیند، چنین نوشته میشوند:

بعضی مردم، برخ اول، بخش دیگر؛ اما اگر پس از آنها پیشینه «از» آید، چنین نوشته میشوند: بعضی از مردم، برخی از این کتاب، بخشی از گفته های افلاطون.

و اگر نکره واقع شوند (به سان دسته یی، گروهی، عده یی) به شکل زیر نوشته میشوند:

بعضی این طرف رفتند و برخی آن طرف .

برخی به موضوع دلچسپی نشان دادند و برخی بیتوجه ماندند .

بعضیها باور دارند و برخیها آن را نمیپذیرند .

۲۵- واژه های «این» و «آن» جدا نوشته میشوند؛ مانند: این مکتب، این خانه،

این مرد، آن زن، آن شخص، آن دکان، آن دفتر، آن طرف .

این زمان، آن زمان، این وقت، آن وقت، این چنین، آن چنان، این کس،

آن کس، این طور، آن طور، این گونه، این سو، آن سو، این جا، آن جا، این که،

آن نگاه .

• هر چند در این واژه ها { ا } محذوف است، بعد از { ی } به صورت فتحه و بعد از دیگر حروف به صورت کسره تلفظ میشود؛ مانند:

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل یحیی بن مظفر ملک عالم عادل
(حافظ)

شنیدم که اعی به راه مکه شد سوی هودة بن علی یما نی
(منوچهری)

همچنان واژه های « همین » و « همان » نیز جدا نوشته میشوند؛ مانند:
 همین که ، همان گونه ، همین طور ، همان طور ، همین سان ، همان سان.
 ۲۶- { که } از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند: مردی که آمد، چنان که
 گفته آمد، وقتی که گفتی، زمانی که مطمئن شدی.
 و اما واژه های « چگونه »، « چرا »، « چطور »، « چنانچه »، « آنچه » و « آنکه »
 به همین شکل نوشته میشوند.

۲۷- واژه « هیچ » جدا نوشته میشود؛ مانند:
 هیچ چیز ، هیچ کس ، هیچ گونه ، هیچ صورت ، هیچ جا ، هیچ وقت ،
 هیچ گاه ، هیچ بک ، هیچ کدام .
 ۲۸- { کی } و { چی } پرسشی به شکل زیر نوشته میشوند:
 کی می آید؟ کی گفت؟ توبه کی گفتی؟ چی گفتی؟ چی میخواهی؟ چی چیزی
 میتواند ترا مطمئن گرداند؟

۲۹- واژه های عربی به وزن « تفعیل » چنین نوشته میشوند:
 تعیین ، تمیز ، تغییر (بادو { ی })

۳۰- ترکیبات عربی مستعمل در دری جدا نوشته میشوند؛ مانند:
 ان شاءالله، عن قریب، مع هذا، مع ذلك، من جمله، علی هذا، من بعد.
 ۳۱- پیشینه ندای { ای } از واژه ها جدا نوشته میشود؛ مانند:
 ای خدا، ای دوست، ای مرد، ای یار، ای که از راه دور آمده ای.
 ۳۲- این واژه ها بادو { و } نوشته میشوند:

کاووس، طاووس، سیاوش، کیکاووس.
 ۳۳- برخی از نامهای خاص اروپایی، که نوشتن آنها با { ط } متداول شده
 است، باید به همان گونه نوشته شوند؛ مانند:

سقراط، افلاطون، ارسطو.

و اما برخی از واژه های دیگر دخیل با { ت } نوشته میشوند؛ مانند :
اتاق، اتریش، ایتالیا، بریتانیا، امپراتور، پترول.
۳۴- واژه ها و ترکیبات زیر بدین شکل نوشته میشوند:

نادرست	درست
بالخصوص	بالخصوص
بالعموم	بالعموم
بالاخص، بلاخص	بالاخص
بالکل	بالکل
بالعکس	بالعکس
بالاخره، بالاخر	بالاخر
خشنود	خوشنود
خرشید	خورشید
خرسند	خورسند
خرد	خورد (کوچک)
کهمک، کومک	کمک

و اما واژه های زیر به دو شکل به معنیهای مختلف نوشته میشوند:

ترک کننده	ادا کننده
سپا سگزار	سپاسگزار
شکر گذار	شکر گزار

* واژه های « خورسند » و « خورد » در متنها به شکل « خرسند » و « خرد »

نیز آمده است .

نمازگذار نماز گزار
 خد متگذار خدمت گزار

۳۵- واژه‌ها و اصطلاحهای دخیل اروپایی به این شکل نوشته میشوند :
 فیودالیزم، سومیالیزم، کمونیزم، انترناسیونالیزم، انارشیزم، رویزیونیزم،
 سکتاریزم، شووینیزم، صهیونیزم، لیننیزم، مارکسیزم، میلتاریزم، ناسیونالیزم،
 کاپیتالیزم، نازیزم، لیبرالیزم، ریالیزم، رمانتیزم، کوبیزم، دگماتیزم،
 پراگماتیزم، اگزستانسیالیزم.

ایدیولوژی، بیولوژی، سوسیولوژی، سایکالوژی، پسیکولوژی، پداگوژی
 دماغوژی، آرکیولوژی، زولوژی، میتودولوژی.

ایدیال، ایده، دموکراتیک، دموکراسی، آکادمی، پاسیف، اکتیف،
 تلفون، تلگراف، تلگرام، تلویزیون، فلم، کامره، کست، ترانسفارمر،
 پاراگراف، میخانیک، پروفیسر، داکتر، پلیس، رنسانس، استتیک، سیمینار،
 جنرال، برس (برس بوت)، بورس (بورس تحصیلی)، بیوگرافی،
 اتوبیوگرافی، لیسانس، لیسانسه، یونیورستی، میناتور، میناتوری.

بخش دوم

نشانه گذاری

نشانه گذاری (که نقطه گذاری، تنقیط، علائم تنقیط و علامات اجمامیه نیز گفته شده است) به کاربردن نشانه های ویژه بیست بار تباط به نگارش جمله ها و تعبیرها. هدف از کاربرد نشانه ها، بهتر فهماندن مقصود، آسانی و روانی در خوانش، رعایت وقف و مکث، تغییر دادن لحن جمله ها و عبارتها بنا بر ضرورت و جزو آنهاست.

چون نشانه ها به جمله ها و عبارتها صراحت بیشتر میبخشند، بنا بر این، کاربرد آنها در جاهای مناسب امریست ضروری.

۱- شیوه نوشتن پاراگراف Paragraph

هرگاه نوشته بی آغاز گردد، باید از حاشیه معمولی در فاصله یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه نوشته شود.

هر پاراگراف با عین خصوصیت و به همان فاصله به طرف داخل صفحه آغاز

میشود.

۲- نقطه Full Stop Period [۰]

الف) در پایان جمله هایی که پرسشی، ندایی و تعجبی نباشند، گذاشته میشود؛

مانند:

معبد سرخ کوتل در بغلان است.

هوشنگ از سفر تازه برگشته است.

برادرم از کار خود رضایت کامل دارد.

به او بگو که بیاید.

بیایید.

بلی.

ب) پس از مخففیات نیز نقطه گذاشته میشود؛ مانند:

این رساله به سال ۱۳۶۳ ه. ش. نوشته شد.

ح. د. خ. ا. حزب طراز نوین و پیشاهنگ مبارزو آزموده طبقه کارگر و تمام

زحمتکشان وطن محبوب ما افغانستان و عالیترین شکل سازمان سیاسی آن است.

اتحادیه نویسندهگان ج. د. ا. پس از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور تأسیس

گردید.

۳- کامه (ویرگیول ، سکنه) Comma [،]

الف) هرگاه چند واژه یا عبارت پهلوئی هم بیایند باید توسط {و} - های عطف

به هم پیوند یابند، در همچو موارد {و} - ها حذف و به جای آنها نشانه [،]

گذاشته میشود و پیش از فرجا مین واژه عطف شده به واژه پیشین {و} نوشته

میشود؛ مانند:

هیئت ترکیب یک عمارت باید نماینده هماهنگی، تناسب، جلوه، ابهت،

ابتکار، استقامت و صفات دیگر مورد نظر باشد.

یا: نگارش بیروح و غیر هنرمندانه بی تأثیر، یکنواخت، کسالت آور، دلگزای و ناپسند است.

ب) پیش از جمله ها و عبارتهایی که شرح و تفسیر جمله ها و عبارتهای پیشین باشند گذاشته میشود؛ مانند:

کاربرد درست نشانه گذاری، که بخش مهمی از نگارش است، در هر حال ضروریست.

یا: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطنپرست بود، همواره اندیشه آزادی و استقلال خراسان را به سرمیپوروانید.

ویا: ماهمواره در زیر پرتو آفتاب منطقه گرم، دروادی گیاهان رنگارنگ، باهم میزیستیم.

ج) هرگاه جمله بی بایکی از واژه های «بلی»، «نه»، «نی»، «خیر»، «درست» و امثال آنها آغاز شود، پس از آن واژه کامه [،] و در پی آن بقیه جمله نوشته میشود؛ مانند:

بلی، من اشعار او را خوانده ام.

نه، گفته شما درست نیست.

نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.

درست، میتوان این نظر شما را پذیرفت.

اما اگر این واژه هاتنها بیایند، پس از آنها نقطه [.] نوشته میشود؛ چون:

— داستان را تمام کردی؟

— بلی.

یا: آیا میخواهی غذایت را همین اکنون بخوری؟

نه.

د) در نوشته های علمی و تحقیقی، درپانویسها، برای جدا کردن مشخصات یک (مانند نام مؤلف، جای و سال چاپ و صفحه اثر) نوشته میشود؛ مانند:
الکامل فی التاریخ، ابن الاثیر، ج ۷، قاهره: ۱۳۴۸، ص ۲۴۷.

یا: ابوسعید عبدالحی گردیزی، زین الاخبار، به تصحیح و تحشیه
عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص ص ۱۲۰-۱۲۲.

۴- سمیکولن (ویرگیول با نقطه، مفرزه) Semicolon [؛]

الف) برای جدا کردن فقره ها و جمله هایی که پیهم آیند و به هم مربوط باشند؛ ولی ایجاب گذاشتن نقطه را نمایند، نوشته میشود؛ مانند:

از بد کرداران نفرت دارم؛ از ساده لوحان بدم می آید؛ راستان و نیکو سرشتان
را دوست دارم.

یا: باید گفت کتابهای درسی مکاتب در زمینه های گوناگون نوشته میشوند، یعنی در جمله کتابهای درسی ریاضی و فزیک هست؛ کیمیا و بیالوژی هست؛ تاریخ و جامعه شناسی هست؛ فلسفه و اقتصاد سیاسی هست؛ هنر و ادبیات هست؛ دستور زبان و زبان شناسی هست و بسیاری از رشته های علمی دیگر هم هست.

ب) در جمله هاپیش از واژه های « مثلاً »، مانند، به حیث مثال، به گونه نمونه، چون» و امثال آن، که به منظور ایراد مثال بیایند، نوشته میشود؛ مانند:
سهو و فراموشی یا اشتباه و غلطی در کاربرد نشانه هاشاید نوشته بی را بیمعنی

گرداند یا غیر از آنچه نویسنده خواسته است جلوه دهد؛ به حیث مثال: ...
ج) در نوشته های علمی و تحقیقی، هر گاه مطلبی به چندین مأخذ رجعت

داده شود کامه [،] برای جداکردن هر بخش یک مأخذ و سمیکولن [؛] برای جداکردن هر مأخذ از دیگر آن نوشته میشود؛ مانند:

تاریخ بیهقی، چاپ داکتر غنی و داکتر فیاض، تهران: ۱۳۴۴، ص ۱۲۵؛
ترکستان تاهجوم مغول، بار تولد، لندن: ۱۹۴۸، ص ۷۸؛ الکامل فی التاریخ،
این الاثیر، ج ۷، قاهره: ۱۳۴۸، صص ۳۲-۳۵.

د) در قاموسها معنیهای بهم مربوط یک واژه توسط کامه ها و معنیهای
مستقل، که تحت اعداد (۱، ۲، ۳) می آیند، توسط سمیکولن جدا میشوند؛ مانند:
آیدیا (ایده)، اسم:

۱- پلان، پروژه، طرح؛ ۲- فکر، عقیده، مفکوره، نظر، مقصود.
ه) پیش از واژه های « اما، زیرا، ولی، لیکن، مگر، بلکه» نوشته میشود.

۵ - شارحه (دو نقطه سر به سر، بیانیه) Colon (:):

الف) در نقل مستقیم پیش از ناخنکهای دوتایی [« »] گذاشته میشود؛ چون:
افسری به سر بازان گفت: « همواره در نگهداری و حفظ سلاح خود بیدار
و هوشیار باشید! »

ب) برای شرح و تفصیل یک مطلب در جمله نوشته میشود؛ مانند:
عنوانهای اشعاری که در شماره اول سال دوم مجله ژوندون چاپ شده اند،
عبارت انداز: قصه هایی از آدمها و تاریخ، تلاش، مردی در چشمه، کتیبه،
شب و ماه و تو.

ج) پس از عنوانهای کوچک کنار صفحه، که سطر به ادامه آن نوشته شود،
به کار میرود؛ مانند:

اقسام « واو» در زبان دری: واو در زبان دری پنج قسم است و به نامهای

واو عطف، واو مجهول، واو معروف، واو دفتانگ و واو معدول باد میشوند :
(د) پس از واژه های « مانند، چون، به حیث مثال، به گونه نمونه و... »،
که به دنبال آنها مثال ذکر شود، گذاشته میشود.

۶- فاصله (خط) Dash [-]

(الف) پس از شماره های تقسیمات یک موضوع به بخشهای عمده و اساسی
نوشته میشود؛ مانند:

مثنوی به طور عمده چهار قسم است:

۱- مثنوی حماسی

۲- مثنوی غنایی

۳- مثنوی عرفانی

۴- مثنوی حکمی

(ب) به منظور تفسیر و توضیح یک واژه یا یک عبارت نوشته میشود؛ مانند:
ناصر خسرو- شاعر مبارز و دانشمند زبان دری - به سال ۴۸۱ هـ. زنده گئی
را پدرود گفت.

یا: محمود طرزی - پرکارترین مترجم آثار ابداعی و روزنامه نگار توانا -
اشعار زیادی نیز سروده است.

(ج) گاهی به منظور تفسیر و توضیح یک واژه یا یک مطلب تنها یک بار در
پایان یاد بخش آخر جمله نوشته میشود؛ مانند:

نباید جمله های ما بیجان و ماشینی باشند؛ بلکه باید رشد کنند و بزرگ
شوند - بدان سان که جانداران نمومیکنند و بزرگ میشوند.

(د) در گفتگوی دوفری (دیالوگ)، داستان، نمایشنامه یا فیلمنامه وقتی که

از گوینده‌گان به تکرار نام برده نشود ، پس از گفتار هر گوینده، که در آغاز سطر نوشته میشود، فاصله [-] میگذارند؛ مانند:

مادر با تبسمی از کودک پرسید:

— پدرت رابه یاد داری؟

— اوه! بلی .

— میدانی او اکنون در کجاست؟

— در پلخمري .

— آنجا چی میکند .

— در فابریکهٔ سمنت کار میکند .

یاد داشت نخست :

یک نوع فاصلهٔ دیگری هم هست که در زبان انگلیسی Hyphen نامیده میشود. هاین با فاصله هم از نظر شکل وهم از نظر جایهای کاربرد تفاوت دارد. درازی « فاصله» اندکی بیشتر از دومی متر واز « هاین» یک ملی متر است. هاین در موارد زیر نوشته میشود :

الف) در واژه های ترکیبی ؛ مانند:

عوامل اقتصادی - اجتماعی ، دستاوردهای علمی - تخنیکي ، زبانهای اندو - اروپایی .

ب) هرگاه در چاپ ، تایپ یادست نویس برای نوشتن یک واژه در صفحه جای نماند وواژه به دو بخش تقسیم شود، پس از یک بخش واژه در پایان سطر گذاشته میشود. باید به یاد داشته باشیم که هرگز نباید یک هجای واژه رابه گونهٔ زیر تقسیم کرد؛ بلکه باید واژه ها را به هجاها تقسیم نمود:

نادرست	درست
دست-آ- ورد	دست - آورد
دست-آو- رد	
دست آور- د	
کشو- رداری	کشور- داری
کشورد- اری	
کشوردا- ری	

ج) در نوشته های علمی و تحقیقی وقتی واژه های نامستقل از گونه پیشوندها و پسوندها به تنهایی نوشته شوند، پیش از پسوند ها و پس از پیشوندها، هایفن گذاشته میشود؛ مانند:

- م ، - یم ، - ید (نشانه های ضمیری که در آخر افعال می آیند ، مانند: گفتم ، گفتیم ، گفتید.)

می-، همی- (پیشوند های استمرار ، مانند: میروم ، همیرفتم .)
 اماپیشوندها، پسونها و علامه های جمع را نباید طوری تقسیم کرد که از اصل واژه توسط هایفن جدا و در سطر دیگر نوشته شوند ، یعنی پیشوند ها ، پسوندها و علامه های جمع با اصل واژه در عین سطر گنجانیده شود؛ مانند:

نادرست	درست
کتاب -	کتابها
ها (نقل « ها » در سطر دیگر)	
می -	میگرد
کرد (نقل اصل واژه « کرد » در سطر دیگر)	

یم) نقل « یم » جدا از اصل واژه در سطر دیگر)

یادداشت دوم :

گاهی تاپیستها، وقتی در پایان سطر جای اندک باقی مانده نوشتن واژه بی در آن جای گنجایش نداشته باشد، بدون موجب فاصله یا هایفن را تاپ میکنند تا انجام سطرها باهم متوازن شوند. این کار کاملاً بیفایده و ناپسند است. باید واژه را درازتر تاپ کنند یا همان بخش آخر سطر را خالی بگذارند. همچنان در تاپ و چاپ غالباً به جای کامه [،] فاصله [-] میگذارند که به کلی بی مورد و خطاست. باید از این کار اجتناب و جای کامه خالی گذاشته شود تا بعداً پادست کامه نوشته شود؛

۷- نشانه پرسش (سوالیه، علامه استفهام) Question Mark [؟]

الف) پس از واژه، فقره و جمله‌یی که شکل پرسش مستقیم - و نه غیر مستقیم - را داشته باشد، نوشته میشود؛ مانند :

شما امروز کجا میروید؟

یا : من از وی پرسیدم : « چی وقت رهسپار هرات میشوی ؟ »

و یا : چرا به وقت معین در جلسه نیامدی؟

این نشانه در پایان پرسش غیر مستقیم به کار نمی‌رود. در اخیر پرسشهای

غیر مستقیم نقطه [.] گذاشته میشود؛ مانند :

من از وی پرسیدم که چی وقت رهسپار هرات میشود ؟

یا : من از جاوید پرسیدم که چرا بیموجب خشمگین گردیدی.

ب) هرگاه واژه‌ی، مطلبی یا نکته‌ی، در موضوع مورد تحقیق، برای محقق نامعلوم باشد و اشتباهی به نظر برسد پیش روی آن، نشانه پرسش میگذارد؛ به گونه‌ی مثال:

حفظه باد غیسی به سال ۲۱۹ ه.ق. (؟) درگذشت.

۸- نشانه ندا (نداییه، اعجابیه، علامه خطاب) Exclamation Mark [!]

الف) پس از واژه‌هایی که در محل ندا باشند، نوشته میشود؛ مانند:
خداوندا! پیش از این، اعتراف واضحی درباره ناتوانی کسی وجود دارد؟
یا: خداوندا، مراد انجام کارهای نیک یاری ده!
اگر واژه‌های مبین هیچانها، عواطف و تأثرات تنها به کار روند نشانه
اعجاب [!] پس از آنها نوشته میشود؛ مانند:

واحسرتا!

دریغ!

آفرین!

آه!

واخ!

اما اگر پس از آنها جمله‌ی بیباید پس از چنین واژه‌هاکامه [،] و در پایان جمله،

نشانه اعجاب [!] گذاشته میشود:

ب) در پایان جمله تعجبی نوشته میشود؛ مانند:

چه بازی جالب و حیرت انگیزی بود!

یا: شگفت سخنی!

ویا: چه دروغ شاخهداری!

ج) برای اظهار تأثرات و عواطف، بیان حالتهای ناگهانی و هیجانی، اظهار خوشی، اندوه، نفرین و امثال آن می آید؛ مانند:

آه!

آه، چه درد جانکاهی!

دریغا!

دریغا، آن قهر کرده را سیر ندیدم!

آخ!

آخ، چه ستم سختی!

حسرتا!

حسرتا، که بیست سال از دیدار مادر محروم ماندم و تادم مرگش نتوانستم

اورا ببینم!

اوه!

اوه، شما و اینجا!

اوه، از دیدن شمادر این کشور بیگانه چقدر شادمان شدم!

د) برای تمسخر و استهزا یا شوخی و مطایبه در پایان جمله هایی که ظاهراً

جدی و باور کردنی باشند، به کار میرود؛ مثلاً درباره شخص نادان و بیسوادی

چنین گفته شود:

این است نویسندهٔ توانا و دانشمند نامور کشور!

یادربارهٔ مرد دروغگو و لافزنی گفته شود:

این است مردی که از دروغگویی و لافزنی نفرت دارد!

یادداشت :

باید گفت که به کار بردن چندین نشانه ندا یا نشانه پرسش در جمله، نادرست است. فرما اگر جمله بی هم تعجب آ وروهم پرسشی یا هم پرسشی وهم شوخی آمیز باشد، میتوان پس از یک نشانه پرسش، تنها یک نشانه ندا را به کار برد؛ مانند اوه، آباراست میگوی؟ جایزه صد هزار افغانیگی نصیب من شده است؟

۹- ناخکهای دوتایی (قوس کوچک، قوس ناخک، علامت نقل قول)

[« »] Quotation Marks

الف) برای نقل مستقیم قول دیگران به صورت - حکایتی یعنی از زبان کسی - یا برای نقل قول مستقیم دیگران از کتابهای مأخذ پس از شارحه [:] به کار میرود؛ مانند:

او گفت: « مقصودت را فهمیدم »

ب: در کتاب هفت قلم امین احمد رازی چنین آمده است: « بهمن فرمودتاد انشمندان، زبان فارسی فصیح وضع کردند و آن را دری نام نهادند. »
ب) برای نشان دادن برخی نامهای خاص (اشخاص، اشیا، جایها، اصطلاحها) نوشته میشود؛ مانند:

« بینوایان، راجندین بار خزاندهام.

یا: منظورم از تذکر عراق «عراق عجم» بود نه عراق کنونی.

ج) برخی از واژه‌ها و عبارتهایی که به مفهوم خاص و برجسته به کار میروند - که در مواردی در زبانهای اروپایی به حرفهای کلان نوشته میشوند - در زبان دری میان ناخکهای دوتایی گرفته میشوند؛ مانند:

ما آن را « دریای خاموشی » نامیده بودیم.

یا: ماهمیشه به زیر شعاع آفتاب منطقه گرم دره وادی علفهای رنگا رنگ و یکجا میزیستیم.

(د) هرگاه نویسنده، واژه‌ی را در معنای غیر حقیقی و به معنای مجازی به کار برد، آن را میان ناخنکهای دوتایی جای میدهد؛ مثلاً «اگر واژه «مادر مهربان» وابه معنای دانشگاه در مورد محصلان دانشگاه استعمال کنیم:

بیشتر محصلان دانشگاه میبندند رند که تنها با ایستاده‌گی به عهد و پیمان در برابر قوانین و مقررات فاکولته و ایستاده‌گی به عهد و قول در برابر هم‌مدرسان و یا انجام دادن آنچه «مادر مهربان» از آنها متوقع است، کار پسندیده‌یی میکنند:

(ه) گاهی برخی از واژه‌های ناآشنای خارجی یا واژه‌های عامیانه و اصطلاحات فنی و تخنیکی در بین ناخنکهای دوتایی گرفته میشود؛ مانند:

... بخش مهم‌تر تجدید نظر، کوشش برای ایجاد ساختمان مستحکم و متین، تعبیر کامل و دقیق، بیان مشخص (کانکریت) و «بسته بندی شده» است که مقاله خوبی را به وجود می‌آورد:

(و) اگر در ضمن سخنانی که در بین ناخنکهای دوتایی نوشته شده باشند، واژه‌ها یا سخنهایی بیابند که ایجاب کنند در بین ناخنکها نوشته شوند، چنین واژه‌ها یا سخنها در بین ناخنکهای یکنایی بدون نشانه شارحه نوشته میشوند؛ مانند:

هوشنگ پرسید: «چی کسی گفته است 'زنده‌گی ما نند رود خانه است'؟»

یا: او گفت: «منتقدی این کتاب را 'ضیاع وحشتناک کاغذ' خوانده است.»

یاد داشت:

نشانه های پایان جمله ها و سخنهای بین ناخنکهای دوتایی و یکتایی پیش از بسته شدن ناخنکها نوشته میشوند؛ مانند:

خسروگفت: « من از عهدهٔ انجام دادن چنین کاری بر نمی آیم »

۱۰- کمانکها (قوس میان، هلالین) Parentheses [()]

الف) به صورت کلی و عمومی، فقره ها و جمله های معترضه، که ارتباط دستوری مستقیم با جمله ندارند، در میان کمانکها گرفته میشوند؛ مانند:

با آگاهی از رها شدن بند ابریشمین جرابش (اگر ابریشمین بوده باشد) آن دختر به پناگاه درختان بید رفت.

ب) شماره های تقسیمات دومی موضوع، معنی یا شرح و تفسیر برخی واژه ها، سنها و مأخذها در بین کمانکها گرفته میشوند؛ مانند:

طرز آموزش واژه های نوبه سواد آموزان

۱- قوهٔ ادراك واژه ها نزد سواد آموزان

قوهٔ ادراك واژه ها در خوانش اساساً شامل دو مرحله میباشد:

(۱) متمرکز ساختن حواس بایک کیفیت و رسیده گی روانی بر شکل واژه ها

(۲) انگیزش حس تشخیص و شناسایی واژه ها به خاطر تشخیص یک شکل از اشکال دیگر با توجه به طرز تلفظ و فرق معانی آنها :

۲- شیوهٔ انکشاف قوهٔ ادراك واژه ها

در بارهٔ شیوهٔ انکشاف قوهٔ ادراك واژه ها، برخی از محققان معتقداند که آموزگار

باید مراحل زیر را در نظر داشته باشد:

- (۱) نوشتن واژه های نو و نا آشنا با خط خوانانه روی تخته ،
- (۲) نشان دادن و شناختاندن حروف هرواژه ،
- (۳) تفسیر و توضیح معنای هرواژه با آوردن مثالها ،
- (۴) تلفظ صریح ، رسا و صحیح هرواژه ،
- (۵) موقع دادن به خواندن خاموشانه و فکر کردن سواد آموزان ،
- (۶) پرسش آموزگار از هر سواد آموز .

یا: استیشن فضایی ، که با چنین سرعتی به دور زمین میچرخد ، در حالت بیوزنی همچون یک قمر سیاره زمین (قمر مصنوعی) همراه با مهتاب (قمر طبیعی) به دوران پیرامون زمین میپردازد .

یا: در آثاری که طی سده های ۱۱- ۱۵ م. در هند به وجود آمده سلسله یی از کتابهای دینی نیز به برگهای « پالمه » (پالمه نام نوعی درخت بلند است که دارای برگهای بزرگ و همیشه سبز بوده در بخشهای جنوبی میروید) نوشته شده است .

یا: امیر خسرو ، دو سال پیش از تألیف « قران السعدین » به سال ۲۹۰ هجری قمری (۳۸ ساله گئی) مثنوی بسیار کوتاها تر از قران السعدین به نام « مفتاح الفتوح » را سرود .

و یا: من سرافرازم که سه سال پیهم (۱۳۴۳-۱۳۴۵ خورشیدی) در شعبه زبان و ادبیات دری دانشکده ادبیات و علوم بشری شاگرد آن جاودانه مرد بوده ام .
 ج) در تقسیم موضوعهایی که به حروف الفبا (الف ، ب ، ج ، د) صورت میگیرد کمانک گذاشته میشود ، یعنی حروف الف ، ب ، ج ، د با کمانک مشخص میگردد که باری مثالهای آن در این رساله فراوان دیده میشود .

۱۱- قلابها (قوس کلان، قوس ایستاده، قوس عمودی) Brackets []

الف) قلابها زمانی استعمال میشوند که برخی از مطالب نقل و اقتباس شده، قابل معنی کردن یا شرح و تفسیر یا مقتضی تذکر، افزایش و تکمیل کردن باشد، یعنی نویسنده وقتی بر مطالب منقول و برگرفته، چیزی از خود میافزاید و یا به تکمیل و تصحیح قیاسی منها میپردازد، آن را در میان قلابها جای میدهد؛ مانند: «در این یادداشت، از جراحی حتی که جنرال جیکسن برداشت [در روز اول جنگ درجهت چانسلسر ویل] ذکری به میان نیامد؛ ولی از جنرال لی به تقریب فتح بزرگ، ستایش شده است.»

(از کتاب «زنده گئی رابرت لی» اثر جونز)

یا: « از خصایص کار نویسنده به کار بردن ملاکهای شخصی است؛ ... فرموده اند ' فردوسی ذهنی ساده دارد [از کجا معلوم] .. بنابراین، کم اتفاق میافتد که مرز این ارتباط را دورتر از ذهن ساده خواننده گان قرار دهند. » (از مقاله « نقدی بر تصویر آفرینی در شاهنامه فردوسی» نوشته علی حصوری)

و یا: « و مردی [این واقعه] دید و به یوآب خبر داده گفت ' آب شالوم را دیدم که از درختی بلوط آویخته شد. »

ب) قلابها در تحقیق و چاپ متنهای کهن نیز به همان منظوری که در بالا ذکر شد، استعمال میشوند. مثلاً هنگامی که در بین مطالب یک اثر، آوردن مطلبی، نکته‌یی، تذکری و مانند آن، ضرور باشد و از طرف ناشر یا مصحح، افزوده شده باشد؛ این مطلب و تذکر افزوده شده در بین قلابها گرفته میشود

ج) قلابها در زبانشناسی برای ثبت مورفیمها و اصوات نیز به کار میروند.

۱۲- کژکها [{ }]

کژکها گونه دیگری از نشانه‌هاست که یابه تنهایی و یا همراه با قلابها و کمانکها هم در زبان‌شناسی و هم در ریاضیات به کار برده میشوند؛ مانند:

هرگاه پیشوند { بی-} با واژه‌هایی بیاید که با حروف نمودار مصوت {آ، ا} آغاز شوند، جدا نوشته میشود.

یا: $A = \{ a, b \}$ که در این جا کژکها برای مشخص و محدود نمودن عناصر یک سیت به کار برده شده است.

و یا: $2 [3 + 4 \{ 6 + 7 (8 - 9) + 2 \} + 3]$

۱۳ - سه نقطه (نشانه انصراف، علامت صر فنظر) Ellipses [...]

این نشانه هنگام حذف یک یا چند واژه یا بخشی از فقره و جمله - خواه از نوشته خود شخص، خواه از مواد و مطالب اقتباس شده - که برای دیگران آشکار باشد و ضرورتی به نوشتن آن نباشد و یا آنچه که از رهگذری قابل نوشتن نباشد، استعمال میشود. باید گفت که در میان جمله سه نقطه [...] و در پایان جمله چهار نقطه [....] گذاشته میشود؛ زیرا نقطه پایان جمله نیز بر آن افزوده میگردد.

به کار بردن بیشتر از سه نقطه در وسط جمله و چهار نقطه در پایان جمله، درست نیست.

۱۴- ستاره Asterisk [*]

این نشانه برای توضیح یک مطلب مربوط به متن در حاشیه - علاوه بر شماره‌ها و اعدادی که برای این منظور به کار می‌روند - گذاشته میشود. گاهی در پاورقی

نویسی به جای شماره وعدد، یک ستاره ، دو ستاره و سه ستاره نزدیک به هم [() ، (.) ، (. .)] به کار برده میشود. هرگاه پاورقی در یک صفحه تمام نشود و به حاشیه صفحه دیگر ادامه یابد ؛ در آخر پاورقی این صفحه و شروع پاورقی صفحه دیگر ، یک ستاره جهت راهنمایی گذاشته میشود. همچنان سه ستاره دور از هم [. . .] برای جدا کردن بخشها یا قسمتها ی داستان یا یک موضوع طولانی به کار میرود تا فاصله سفید بین دو سطر ، بیشتر گردانیده شود. در زبانشناسی پیش از واژه ها یا جمله های نا درست یا باز سازی شده - از نظر تاریخی - یک ستاره [.] میگذارند ؛ مانند :

• من رفتی

یا: بنده گان ← • بندک + - ان.

یاد آوری

- در نگارش «روش املائی زبان دری»، که برای تعمیم و ترویج روش همگون
املایی صورت گرفته، اصلهای زیرین در نظر بوده است :
- ساختمان دستوری و واکنش‌ناختی زبان دری ،
 - آسانی آموزش و خوانش ،
 - آسانسازی نوشتن و پرهیز از نگاشتن صورتهای ناهنجار و اژه‌ها ،
 - هماهنگی نسبی بین صورتهای نوشتاری و گفتاری ،
 - زبانشناسی معاصر ،
 - دستیابی به معیارهای عام و کاهش موارد خاص املایی .

درستنامه

با پوزش از خواننده‌گان ارجمند خواهش میشود تا پیش از خواندن این رساله لغزشهای زیرین را حتماً درست نمایند. باید یاد آور شد که آن لغزشهایی که خواننده با حدس آنها را در مییابد، در این درستنامه گنجانیده نشده اند:

— ص ۲ سر صفحه س ۵، پس از واژه «کابل» به جای نشانه [—] نشانه [،] گذاشته شود.

— ص ۲ س ۴، «مشاوران» به «مشاور» تصحیح شود.

— ص ۲ س ۱۸، در پایان سطر به جای نشانه [.] نشانه [!] نوشته شود.

— ص ۲ س ۲۰، «کمیت» به «کمیتة» تصحیح شود.

— ص ۳ س ۳، پس از نشانه های «*» [*] نشانه [،] افزوده شود.

— ص ۳ س ۶ پاورقی، «مثابه» به «مثابه» تبدیل گردد.

— ص ۳ س ۱۱، در پایان سطر نشانه [،] و در پایان س ۱۲ همین صفحه نشانه [.]

افزوده شود.

— ص ۴ س ۲، «فونیم» به «یا فونیم» تصحیح گردد.

— ص ۴ س ۹، «گر»، که در برخی نسخه ها به همین شکل آمده است، به «اگر»

تصحیح شود.

— ص ۵ س ۱۷، پس از «گویند» نشانه [،] نوشته شود و نشانه [،] از پایان همین

سطر حذف گردد.

— ص ۶ س ۱۰، پس از «نظر اندازیم» نشانه [،] نوشته شود.

— ص ۸ س ۷، «متحور» به «متحول» تبدیل شود.

— ص ۸ س ۲۲، پس از «عمرو» و پیش از «چون» نشانه [،] علاوه گردد.

— ص ۱۰ س ۱۸، چنین تصحیح شود: / ú oá ile /.

— ص ۱۱ س ۱، «ون» به «وآن» تبدیل شود.

— ص ۱۱ س ۴، «واك» به «برواك» تصحیح گردد.

— ص ۱۱ س ۹، «نابه سامانیهایی» به «ونابه سامانیهایی» تبدیل گردد.

— ص ۱۲ س ۲، پس از « دارد » به جای نشانه [] نشانه [] و نیز پس از واژه « بنا برین » نشانه [] گذاشته شود .

— ص ۱۲ س ۹، پس از « کابل » به جای نشانه [] نشانه [] گذاشته شود .

— ص ۱۵ س ۲۱، « محتوم » به « مختوم » تصحیح شود .

— ص ۱۹ س ۲۰، پس از « میشود » نشانه [] گذاشته شود .

— ص ۲۰ س ۱۰، « انصار » به « انصاری » تصحیح شود .

— ص ۲۰ س ۱۵، « زندگیت » به « زنده گیت » تصحیح شود .

— ص ۲۱ س ۶، « آروزی » به « آرزوی » تبدیل گردد .

— ص ۲۵ س ۹ و ص ۲۶ س ۷، « حروف » به « حرف » تصحیح شود .

— ص ۲۷ س ۵، مثال « بی رتق وفتق » حذف گردد .

— ص ۲۷ س ۷ و س ۸، واژه های « بیننده »، « نالان »، « سحر گاهان »، « چوبین »

و « سیمین » حذف شوند .

— ص ۲۷ س ۱۲ قاعده ۱۸ چنین تصحیح شود: پسوند جمع [ها] با واژه ها

پیوسته نوشته شود .

— ص ۲۷ س ۹، پس از « افسانه ها » نشانه [] گذاشته شود و مثال

« کوه - کوهها » حذف گردد .

— ص ۲۸ س ۴، پس از « دهها » نشانه [] حذف شود .

— ص ۲۸ س ۱۸، پس از « گزارشات » نشانه [] گذاشته شود .

— ص ۲۹ س ۱۴، واژه « راساً » حذف گردد .

— ص ۳۰ س ۸، همزه های حرفهای [ا] و [و] حذف و چنین تصحیح شوند:

[ا] یا [و] .

— ص ۳۱ س ۲۰، « همزه » به « همزه » تصحیح شود .

— ص ۳۲ س ۶، « سوال » به « سؤال » تبدیل گردد .

— ص ۳۵ س ۱، « ه » « حمزه ها » به « ه » تصحیح شود .

— ص ۳۵ س ۴، « بعضی » به « بعض » تبدیل گردد .

— ص ۳۵ س ۲۱، « راه مکه » به « شهر یمن » تصحیح شود .



- ص ۴۰ س ۱، « Full stop period » به « Full stop period » تصحیح شود.
- ص ۴۰ س ۱۸، پس از « یابند » نشانه [،] حذف و به جای آن نشانه [.] نه شده شود.
- ص ۴۰ س ۲۱، « نماینده » به « نماینده » تصحیح شود.
- ص ۴۱ س ۹، به جای « به سر »، « در سر » نوشته شود.
- ص ۴۱ س ۱۰، پیش از واژه « زیر »، « در » حذف گردد.
- ص ۴۲ س ۲، چنین تصحیح شود: — نه .
- ص ۴۴ س ۴، « Dash » به « The Dash » تبدیل شود .
- ص ۴۵ س ۵، پس از « اوه » نشانه [،] و پس از « بلی » نشانه [!] نوشته شود :
- ص ۴۵ س ۸، در پایان سطر به جای نشانه [.] نشانه [؟] گذاشته شود.
- ص ۴۶ س ۱۶، « شود » به « شوند » تبدیل شود.
- ص ۴۷ س ۱۱، « سوالیه » به « سؤالیه » تصحیح شود .
- ص ۴۸ س ۷، پس از « این » نشانه [،] حذف شود.
- ص ۴۸ س ۹، بعد از « به کار روند » نشانه [،] نوشته شود :
- ص ۵۰ س ۷، « Morks » به « Marks » تصحیح شود.
- ص ۵۰ س ۸، پس از « صورت » نشانه [—] حذف گردد، واژه حکایتی ، به « روایتی » تبدیل و پس از آن نشانه [—] نوشته شود.
- ص ۵۰ س ۱۳، نشانه [،] پس از « دانشمندان » حذف شود.
- ص ۵۱ س ۱، پس از « همیشه »، « به » حذف شود .
- ص ۵۱ س ۱۰، « میشود » به « میشوند » تصحیح شود.
- ص ۵۲ س ۹، « پناگاه » به « پناهگاه » تصحیح شود.
- ص ۵۳ س ۱۴، « ۲۹۰ » به « ۶۹۰ » تصحیح شود .
- ص ۵۴ س ۱۷، نشانه [،] بعد از « اثر » حذف شود :
- ص ۵۴ س ۱۹، به جای نشانه [،] نشانه [،] گذاشته شود :
- ص ۵۴ س ۲۰، « میرود » به « میروند » تصحیح شود .
- ص ۵۵ س ۹، « صرف نظر » به « صرف نظر » تصحیح شود :